

بستن کمر بند می تواند خطر مرگ و میر را در سرنشینان صندلی عقب، ۲۵ تا ۷۵ درصد کاهش دهد.



روایت زائران قدیمی و جدید خانه خدا از چند دهه تحول در گفت‌وگو با «شهروند»

مکه و مدینه پوست می‌اندازند

زائران شده‌از آن سو، خیلی‌ها هم می‌توانند در کنار زیارت‌های معمول، به مکان‌هایی مثل طائف که منطقه خوش آب و هوایی است یا بندر جدّه و دریای سرخ بروند. زائران قدیمی خانه خدا، روند تغییراتی که در مکه و مدینه در سال‌های گذشته رخ داده‌را برای «شهروند»روایت می‌کنند.

آب زمزم بالوله کشی، در صحن مسجدالحرام

حجنت‌الاسلام علی رجبی، روحانی‌ای است که بیش از ۳۰سال همراه با کاروان‌ها به حج تمتع و عمره اعزام شده. او

که حالا ۶۱سال دارد، نزدیک به ۵۳ بار به حج رفته که ۲۴ بار آن تمتع بوده. نخستین خاطره حج رفتنش مربوط می‌شود به‌سال ۶۱ووقتی ۲۴ساله‌بود و سفر حج رابه‌عنوان جایزه‌برگزیده‌شدنش در یکی از مسابقه‌های فرهنگی گرفت. او می‌گوید تا قبل از سال

۶۶، یعنی همان سالی که کشتار

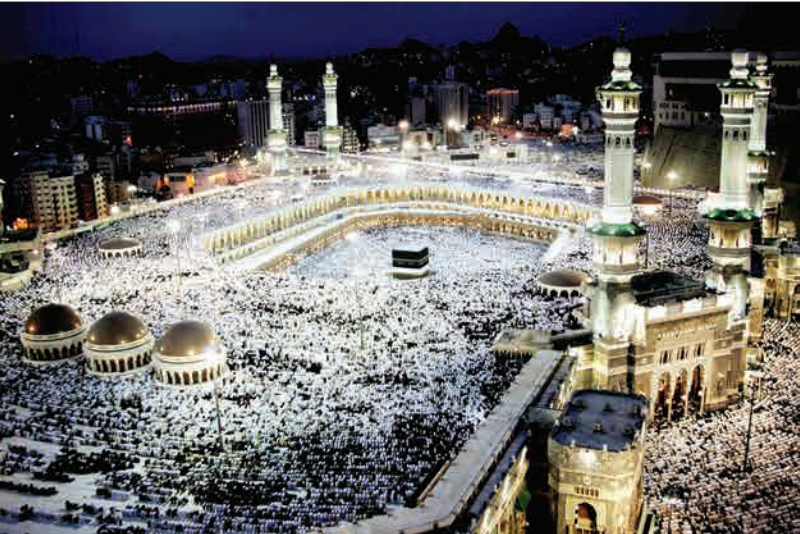
حجاج ایرانی اتفاق افتاده، راهپیمایی‌های مکه، به ۱۶۰هزار نفر هم می‌رسید. مکه دست ایرانیان بوده، اما بعد از سال ۶۶با اتفاقی که افتاد و چندسال توقف اعزام حجاج ایرانی، عربستان قانونی گذاشت که براساس آن، از هر هزار نفر جمعیت یک نفر می‌تواند زائر حج تمتع شود، یعنی الان سهم ایران ۸۰هزار نفر است. تا قبل از انقلاب، جمعیت خیلی کمی از ایرانیان به مکه می‌رفتند که تعدادشان به حدود ۵هزار نفر می‌رسید. بعد از انقلاب بود که تعداد زائران مکه بالا رفت. رجبی از سال ۶۱تا ۹۶، مرتب به مکه سفر کرده و حرف‌های زیادی درباره تغییرات رخ داده در طول سال‌های گذشته در مکه و مدینه دارد. «آن زمان از آب زمزم به این صورت که حالا وجود دارد، خبری نبود. یک کاسه برنجی بود که داخلش آب می‌ریختند و می‌گفتند آب زمزم است. آبی تلخ و شور که باشش یک ریال می‌گرفتند. آن زمان آب سردکن کجا بود؟»

گرمازدگی، جان زائران رامی‌گرفت

رجبی می‌گوید آن سالی که برای نخستین بار به مکه رفته بود از ۴۱روز سفر، ۱۱روزش را بیمار بوده. گرمازده شده بود و تب و لرز شدید داشت. اما حالا در مناطق مختلف، بیمارستان و درمانگاه و داروخانه وجود دارد، هم از سوی عربستان و هم از سوی ایران. امکانات درمانی بالا رفته و ایران هم بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی تأسیس کرده و بالاترین عمل‌ها را انجام می‌دهد. به طوری که بیماران از کشورهای دیگر، برای انجام جراحی در بیمارستان‌های ایران، به مکه می‌آیند و به اندازه یک حج تمتع هزینه می‌کنند. در گذشته همه امکانات شب‌دش ضعیف بود؛ «قبلا در منا که راه می‌رفتید، چیزی که بیشتر از همه می‌بود،

راه‌اندازی سامانه ملی فرزندخواندگی در آینده نزدیک

رئیس سازمان بهزیستی کشور می‌گوید به‌زودی سامانه فرزندخواندگی شروع به کار می‌کند. وحید قبادی دانا در این باره گفت: «انتظار برای اعلام رومنای سامانه فرزندخواندگی خیلی طول نخواهد کشید و راه‌اندازی این سامانه خبر خوشی در تسریع و تسهیل گرفتن فرزندخوانده در سراسر کشور است.» او ادامه داد: «این سازمان بیشتر بر مراکز ماده ۱۵ و معنادان خودمعرف تمرکز خواهد کرد. تمرکز سازمان بهزیستی بر معنادان ماده ۱۵ به این معنایست که معنادان ماده ۱۶ یا متجاهران دستور کار سازمان بهزیستی خارج خواهند شد. ما همچنان مسئول جلسات کمیسیون ماده ۱۶ هستیم و مجری برنامه‌های مربوطه سازمان بهزیستی است. سازمان بهزیستی، هم مسئول کمیسیون ماده ۱۶ و هم مسئول کمیسیون پیشگیری و فرهنگی ستاداست.»



روایت زائران قدیمی و جدید خانه خدا از چند دهه تحول در گفت‌وگو با «شهروند»

مکه و مدینه پوست می‌اندازند

جاری بود. جمعیت شروع به فرار کرده بودند، گاز خفه‌کن در هوا پیچیده بود، اوضاع بدی بود. ما هم به سمت نزدیک‌ترین کوه فرار کردیم. خیلی‌ها پابرهنه بودند و از پایشان خون می‌چکید. زنان شرایط بدتری داشتند. تازه شب فهمیدیم که چه اتفاقی افتاده و بالای ۴۰۰نفر شهید شده‌اند.» آنها کوه‌را دور زده بودند و پناه بردند به ساختمان هتل بزرگ مشهدی که آن سال دست افغان‌ها بود؛ بعد از سال ۶۶، ایران برای چندسال زائر به مکه اعزام نکرد تا سال ۷۰. رجبی می‌گوید سال ۷۰که دوباره زائران اعزام شدند، مدینه و مکه تغییرات زیادی کرده بود. مدینه کاملا با سال‌های قبل فرق کرده بود: «کوچه‌بنی‌هاشم را کاملا تخریب کرده بودند. کوچه بنی‌هاشم، کوچه باریکی بود که از جلوی باب جبرئیل کشیده می‌شد تا می‌رسید به بقع. در این کوچه خانه‌انمه مثل ابوالفضل العباس، امام صادق (ع) و... وجود داشت که همه را خراب کردند و به صحن مسجدالنبی اضافه کردند.»

بعد از حادثه منار، رفتار سعودی‌ها با زائران ایرانی بهتر شد
او سال ۹۵ شاهد حادثه منا نبود، اما سال ۹۶ که به حج رفت به قول خودش، برای شهادت رفته بود: «وضع پر خوردر سعودی‌ها با حجاج در رسال ۹۶ خیلی متفاوت شده بود، به طوری که یکی از ماموران ارشدشان با آب‌پاش به زائران آب می‌پاشید تا خنک شوند. قبلا در فرودگاه بالای ۴ ساعت مسارا معطل می‌کردند، اما حالا ۱۰ دقیقه‌ای کار را تمام می‌کنند.» رجبی می‌گوید سال ۹۶ بر خوردی که با زائران داشتند، بی‌سابقه بود. در تصور زائران حج، چه آنها که برای تمتع رفته‌اند و چه آنها که برای عمره، تنها مسجدالحرام و یکی دو مکان دیگر زیارتی وجود دارد، اما رجبی که سال‌ها روحانی کاروان بوده و زائران زیادی را به مکان‌های زیارتی برده، می‌گوید شاید در سال‌های قبل این طور بود، اما حالا برخی مکان‌ها مثل موزه مکه یا کارخانه پرده‌بافی که پرده کعبه آن جا دوخته می‌شود، هم به بازدیدهای زائران اضافه شده. به جز این دو مکان، منطقه طائف هم یکی از مکان‌های دینی در مکه است.



داستان مردی که به برای نخستین بار به حج رفت

آرمین منظری | دوستی داشتم در دوران دانشجویی از خانواده‌ای مشمول. اساسا به ظواهر دینی و شرعی مقید نبود. پدرش در یکی از خیابان‌های مشهور تهران بوتیک داشت؛ او هم از ثروت پدر متعّم بود و از انواع و اقسام تفریحات سالم و ناسالم دریغ نمی‌کرد. نکته جالبی که درباره این دوستم وجود داشت، این بود که به حج عمره رفت. با توجه به روحیاتی که داشت، مدام در ذهنم این سوال تکرار می‌شد که چرا او باید به سفر حج علاقه‌مندی شد؟

یکبار این سوال را پرسیدم و برام ماجرای حج رفتنش را تعریف کرد؛ می‌گفت: «وقتی دانشگاه اعلام کرد علاقه‌مندان به اعزام به حج عمره می‌توانند اسم بنویسند با خود گفتم حالا یک سفر عربستان هم می‌رویم، بیستیم چطور است. مبلغش برام اهمیتی نداشت. با خودم فکر می‌کردم حالا چند روزی هم عربستان می‌رویم و تفریح می‌کنیم. می‌گفت وقتی به عربستان رفتم و من از هتل خارج شدم، اولین چیزی که توجهم را جلب کرد لباس عربی بود. بنا بر این در اولین اقدام رتقم و یک دست لباس عربی سفید درست مانند آن چیزی که عرب‌ها می‌پوشند، خریدم. یادم می‌آید اولین‌باری که با این لباس بیرون رفتم، دیدم همه عرب‌ها با حالت عصبانی و خیلی عجیبی به من نگاه می‌کنند. من که خودم نمی‌دانستم ماجرا از چه قرار است، فکر کردم شاید می‌دانند من ایرانی هستم و شاید زیاد از ایرانی‌ها خوششان نمی‌آید. وقتی که به هتل برگشتم، هم اتاقی‌ام به محض دیدن من زد زیر خنده. پرسیدم چه شده؟ گفت: آخر پسر خوب! آدم لباس زیر رنگی را زیر لباس سفید عربی می‌پوشد!» دوستم بعد از اولین‌باری که چشمش به خانه کعبه افتاد هم تعریف‌هایی کرد: «صبح روزی که قرار بود به سمت مسجدالحرام برویم، روحانی کاروان در اتوبوس به ما گفت حدود ۱۰ اتوبوس پیاده‌شدند، در مسیر سرتان را به چپ و راست و بالا و پایین حرکت ندهید و تا زمانی که من نگفته‌ام سرتان را بالا نگهید. در مسیر در یک صف به راه افتادیم. از ما خواسته بودند در طول همین مسیر چند دقیقه‌ای، لا اله الا الله بگوئیم. شاید حدود ۱۵ دقیقه حرکت کردیم تا این که روحانی کاروان به همه ما گفت حالا می‌توانید سرهایتان را بالا بگیرید. سرم را بالا گرفتیم و تا گنجان خانه کعبه را در مقابل دیدم. نفهمیدم چه حالی دارم. تمام بدنم می‌لرید. بی اختیار اشک‌ها چشمم سرازیر بود، بدون این که بدانم چرا اشک می‌ریزم. همان‌جا روی زمین نشستم و شاید حدود نیم‌ساعت گریه کردم. احساس می‌کردم کودک شده‌ام. در عین حال احساس سبکی هم می‌کردم.» دوست من همیشه از این اتفاق به‌عنوان یکی از به یاد ماندنی‌ترین اتفاقات عمرش یاد می‌کرد. هر چند رفتار و سکناتش بعد از بازگشت از حج عمره چندان تغییر نکرده بود، اما به نظر می‌رسد او هم سهم خود را از این سفر گرفته است؛ هر چند اندک!

قبلا مکان‌های زیارتی در مکه و مدینه بیشتر از الان بود

به گفته جیبی، قدم به قدم مکه، جای دینی دارد، هر چند که در گذشته مکان‌های زیارتی بیشتر از حالا بود. در برنامه کاروان‌ها قرار داشت اما با تخریب این مکان‌ها بویژه در مدینه، بازدیدها کمتر شده و برخی از مناطق را خود زائران می‌توانند به‌طور مستقل بروند. «بزرگ‌ترین تغییر حج از سال ۷۰خ داد. قبل از آن کاروان‌ها خودشان اثاث داشتند، از تختخواب گرفته تا فریزر و یخچال و صندلی و... اما از سال ۷۰به بعد، تمام اثاث‌ها را همان‌جا فروختیم، از سال ۷۱به بعد، تمام خانه‌ها و هتل‌ها را با اثاث‌ها می‌گرفتند. جابه‌جایی اثاث‌ها خیلی هزینه‌بر بود و کاروان‌ها ناچار بودند تریلی اجاره و اثاث‌ها را جابه‌جا کنند. تصور کنید ۱۸۰ زائر ظرف و رختخواب و... می‌خواست، اما الان در مدینه و مکه آتشیز خانه داریم.»

کاروان‌ها مثل حالا نظم و هماهنگی نداشتند

می‌کردند، اما ۱۵سال بعد که دوباره راهی مدینه شدند، شرایط را کاملا متفاوت دیدند؛ نزدیک شدن به ضریح پیامبر (ص) کاملا ممنوع شده بود و دور تا دور قبرستان بقیع دیواری کشیده شده بود که تنها مردان می‌توانستند از بالای درجه‌ای، داخلش را ببینند. همسر آقای جعفری هم که ۴۰سال پیش به حج رفته بود، این حرف‌ها را تأیید می‌کند و می‌گوید آن زمان در مکه، تنها بازارهای شع‌فعل بود. از مرکز خرید و مغازه‌های رنگارنگ خبری نبود، اما ۲۵سال بعد که برای حج عمره رفتند، مکه را جوهر دیگری دیدند. شب‌های مکه حالا شبیه یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس است؛ پر از مرکزهای خرید و مغازه‌ها و فروشگاه‌هایی که کالاهای جدیدترین برندهای دنیا را می‌فروشند.

اقامتگاه‌ها، خانه‌های بدون کمترین امکانات بود

اقامتگاه ۴سال پیش آقا و خاتم جعفری در مکه، اتافی در یک ساختمان چهار طبقه بود. ۶نفر در یک اتاق می‌خوابیدند، نه رختخوابی داشت، نه پتو و نه هیچ امکانات رفاهی دیگری. زائران هر چه می‌خواستند باید از خانه با خودشان می‌آوردند. دستشویی و حمام برای کل ساختمان مشترک بود. زائران خودشان پخت و پزی می‌کردند و از اقامتگاه تا مسجدالحرام، راه طولانی بود؛ «کاروان‌های خیلی

علی جعفری و همسرش، ۴۰سال پیش عازم خانه خدا شدند. آن موقع بلیت هواپیما برایشان گران در می‌آمد. پول یک بلیت را داشتند و همین هم شد تا از طریق یکی از دوستانشان در عراق، از راه زمینی عازم مکه شوند. هنوز جنگ نشده بود، پاییز سال ۵۸: «وقتی به فامیل گفتمیم می‌خواهیم برویم، یکی یکی گفتند ما هم می‌آییم و شدید نفر، چند آدم سن‌المند ما با ما بودند، عموم بالای ۶۰سال داشت و مادر همسرم نزدیک ۷۰سال. خلاصه یک روز سوار اتوبوس شدیم و رفتم ووقتی به عراق رسیدیم، با کاروانی همراه شدیم. دو اتوبوس بودند، نزدیک به ۸۰نفر.» اول آنها را به بصره بردند، اما رئیس کاروان، هماهنگی‌ها را انجام نداده بود و سه روز طول کشید تا دوباره راهی شوند؛ آنها دو شب را در پارک خوابیدند: «بعد از سه روز دوباره به سمت عربستان حرکت کردیم، بعد از بصره به کویت و در آخر به عربستان رسیدیم. مکه مقصدمان بود، ما مدینه دومی بودیم، به همین دلیل هم مستقیم به مکه رفتیم و در طائف، احرام را به تنمان کردیم.» آنها نزدیک به یک هفته در راه بودند. آقای جعفری که ۲۵سال پس از نخستین حج، یک‌بار هم برای عمره به مکه رفته و تغییرات ۲۵ساله آن‌جا را دیده بود، می‌گوید: «مکانات بهداشتنی طائف بسیار ساده بود، دوش و آب و... داشتند، اما به نسبت تغییراتی که ۲۵سال بعدش رفتم و دیدیم، خیلی تفاوت کرده بود. آن زمان کس حرفی از ششوع بیماری در مکه نمی‌زد، آموزش خاصی هم به زائران داده نمی‌شد، هر کس می‌خواست خودش مطالعه می‌کرد و مناسک را یاد می‌گرفت.» جعفری جزو زائرانی است که تظاهرات «پرات از مشرکین» ایرانیان در مکه را دیده و بعدا در خبرها شنیده که یکی از همین تظاهرات منجر به

بی‌برنامه بودند. یک روز ماشین‌ی که زنان در آن بودند و قرار بود بروند مزدلفه (محلی بین عرفات ومنا) و سنگ جمع کنند، کم‌کم شد. ما مردان هیچ خبری از آنها نداشتیم. آنها شب کم شدند و تا روز بعد از آنها خبری نشد. من نگران مناسک حج‌شان بودم. آنها باید سنگ‌زدن به شیطان را انجام می‌دادند و تا قبل از غروب آفتاب وقت داشتند. من مجبور شدم برای ۶نفر سنگ جمع کنم، چون نگران‌شان بودم. عموم هم مرد سان‌داری بود و خودش نمی‌توانست سنگ جمع کند. یک کیسه بزرگ برداشتم و تمام سنگ‌ها را ریختم. داشت گریه‌ام می‌گرفت که آنها حج‌شان را از دست دادند. روز بعد چند ساعت قبل از غروب آفتاب، ماشین‌زنان پیدا شد و من سراسیمه آنها را برای انجام مناسک بردم.» آقای جعفری اینها را می‌گوید و همسرش که جزو گمشدگان بود، می‌گوید: «منی‌دایم ما را کجا بردیم. این‌تنها خاطره در یک منطقه بیابانی متوقف کردند و شب در ماشین ماندیم.» آن‌تنها خاطره آنها از مکه نبود؛ عموی‌شان هم از صبح تا شب کم شده بود و تمام خانواده دنبالش بودند: «خیلی اتفاقی عموم‌را پیدا کردیم، یکهو دیدیم جلومیمان ظاهر شد.» آن سالی که خانواده جعفری به مکه رفتند، در مسجدالحرام، ساخت‌وسازهایی مثل حالا صورت‌نگرفته بود. کعبه‌ابهت خودش را داشت، یک زمین بزرگ بود که کعبه در وسطش قرار داشت: «آن سال‌ها اگر کسی توانای راه رفتن و طولانی‌دنداشت، او را روی تخت‌های می‌گذاشتند و دور کعبه می‌چرخاندند، حالا باید از طبقه دوم که پل است، حرکت کنند. الان هم ظاهرا ویلچرهای برقی در اختیار زائران کم‌توان قرار داده‌اند.»